

## بسمه تعالی

### «نقش رسانه ملی در نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف»

مصاحبه چاپ نشده با سید حسین شرف الدین،

#### ۱) وضعیت حجاب و عفاف در جامعه امروز ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر مشاهدات عادی و شخصی و گزارشات موردی مبنای داوری باشد، ظاهراً فاصله میان وضع موجود با وضع مطلوب، به صورت مستمر در حال افزایش است. البته قضاوت و داوری عام در خصوص پدیده ای همچون حجاب و عفاف که اشکال و صور عینی متنوعی دارد و در اقلیم های فرهنگی مختلف کشور انعکاسات و جلوه نمایی های گوناگونی دارد، چندان آسان نخواهد بود. علاوه اینکه اضافه کردن عفاف در کنار حجاب به دلیل کثرت جلوه ها و مظاهر و تا حدی دخالت ذهنیات در تعریف و ارزیابی کم و کیف آن، این داوری را مشکل تر می سازد. بی شک، تبیین و فهم چرایی این موضوع، نیازمند توصیف دقیق وضع موجود و رصد هوشمندانه روندهای جاری است. آنچه مسلم است وقوع تغییر در الگوی پوشش و ظهور پدیده موسوم به «بدحجابی» یا در شکل حاد آن «بی حجابی» به عنوان یکی از مظاهر عینی تغییر اجتماعی، از وقوع تغییر در برخی عناصر زیرساختی ذهنی (بینشها، ارزشها، نگرشها، الگوها، حساسیت ها، ترجیحات و انتظارات) و عینی (قواعد، عادت ها، سبک های زیستی، ترجیحات و مطالبات جمعی، فشارهای ساختی، الزامات محیطی، ضرورت های کارکردی و...) حکایت دارد. یکی از مشکلاتی که عموم محققان در بررسی جامعه شناختی مسائل و آسیب های فرهنگی اجتماعی کشور همچون بدحجابی یا ضعف عفاف و حیا، با آن مواجه اند، فقدان اطلاعات و گزارشات دقیق از وضع موجود و کم و کیف روندهای جاری است. این سنخ اطلاعات بویژه اگر روزآمد و از رهگذر دیده بانی و رصد محققانه واقعیات محیط به دست آمده باشد، بستر بسیار مهم و بلکه منحصر بفردی برای خلق فرضیات، ارائه تحلیل های دقیق، نظریه پردازی، روند شناسی و آینده پژوهی فراهم خواهد ساخت. نیازی به ذکر نیست که حجاب، اگر چه در سطح پوشش ظاهری و متناسب با انتظارات حداقلی فقه، معیار و قاعده مشخص و شاخص کمی قابل اندازه گیری اجمالی دارد اما در شکل ایده آل آن (شامل رعایت قواعد ظریف فقهی و اخلاقی در مطلق جلوه های نمایشی، آرایه های تزئینی و آرایشی، تعاملات گفتاری و رفتاری، ژست ها و حرکات،

فاصله ها و به طور کلی عاری بودن از همه نشانه ها و علائمی که پیام جنسی به طرف مقابل مخابره می کند) به دلیل ماهیت غالباً کیفی، شاخص گویایی برای برآورد میزان وجدان و فقدان آن در قلمروهای عینی وجود ندارد.

## ۲) چه علل و عواملی را در ایجاد و تشدید وضعیت کنونی حجاب و عفاف در جامعه، مؤثر می دانید؟

پیش فرض تلویحی سوال از نامطلوب بودن وضع موجود و روند نزولی موقعیت حجاب و عفاف در متن جامعه حکایت دارد، یعنی به نوعی پذیرش مدعای مذکور در پاسخ به سوال قبل. به طور کلی، دو دسته عوامل را در این خصوص می توان دخیل دانست که ترجیحاً برای اجتناب از آشفتگی بحث، باید آنها را از یکدیگر تفکیک نمود. بخشی از عوامل به افراد و اشخاص و جنبه های بیولوژیکی، غریزی، روانی، تربیتی و نگرشی افراد یا عاملان و برخی به زمینه ها و عوامل ساختاری اعم از فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، ارتباطاتی مربوط می شود. به بیان دیگر، بخشی از عوامل در سطح فرد جلوه و نمود یافته و قاعدتاً واحد مطالعه آنها احوال و عوارض فردی - قطع نظر از نحوه ارتباط آنها با زمینه ها و ظرفیت های محیطی - است و بخشی در سطح کلان جامعه و واقعیات فرافردی ظهور و بروز دارد و واحد تحلیل آن، موجودیت های نهادی و ساختاری و ظرفیت ها و پتانسیل ها یا خلاء ها و کاستی های محیطی است. علاوه اینکه محیط نیز هر چند در مطالعات اجتماعی، غالباً به واحد سیاسی دولت - ملت و قلمرو فرهنگی اجتماعی یک جامعه و کشور به عنوان قلمرو ملی در مقابل قلمرو محلی، منطقه ای و جهانی محدود می شود اما تردیدی نیست که امروزه، بسیاری از مسائل و معضلات بویژه فرهنگی واحدهای ملی، بیش از زمینه ها و کاستی های داخلی، از عوامل فراملی و جهانی و روند موسوم به جهانی شدن و مشخصاً امپریالیسم فرهنگی نشات می گیرد. پذیرش این اصل و تمسک به آن در تحلیل وقایع فرهنگی اجتماعی، اگر در مواردی، محل مناقشه باشد، در موضوعی همچون حجاب و عفاف آنها در کشوری کهن سال و دارای سابقه دیرین در التزام قاطع به فرهنگ مذهبی و مظاهر آن همچون ایران، هیچ جای تامل و تردید باقی نمی گذارد. نفوذ استعمار قدیم و جدید، قضایای کشف حجاب، سیاست های فرهنگی دولت پهلوی، تهاجم فرهنگی سنگین برنامه ریزی شده و پرگستره در سالهای بعد از انقلاب؛ عمده ترین عوامل مؤثر در ایجاد و تحمیل وضعیت موجودند. نیازی به ذکر نیست که برغم کلیشه سازی و سوگیری غالب، موضوع حجاب و عفاف، اختصاصی به بانوان ندارد و از نقش و مسوولیت بسیار مهم مردان، در این معادله به هیچ وجه نباید غفلت کرد. برگردیم به دو دسته عوامل مؤثر.

در بخش عوامل فردی که البته غالب آنها خود از عوامل ساختاری و گفتمان فرهنگی حاکم بر جامعه مدرن و تجربیات زیستی انسان معاصر متاثر و منشق اند و کشور ما نیز در چرخه توسعه آفرینی نوین و نیز به تبع روند جهانی شدن و موضوع تهاجم فرهنگی، از پیامدهای آن بی نصیب نمانده است؛ می توان به مواردی اشاره نمود. نیازی به ذکر نیست که تفکیک میان جنبه های عاملی و ساختی، بیشتر ذهنی است تا عینی. اهم عواملی که در ساحت فرد و جلوه های رفتاری وی تبلور و تجسم دارد عبارتند از: ضعف تربیت اجتماعی و جامعه پذیری متناسب با معیارهای دینی؛ ضعف اطلاعات نهادی شده از حجاب و عفاف (فلسفه وجودی و ضرورت های کارکردی آن)؛ غلبه توجه به بدن و چهره و تبدیل آن به ابژه ای برای ملاحظات مختلف؛ غلبه فردگرایی، تمایل به تک روی و عدم تمکین از قواعد اجتماعی و ترجیح عمل بر اساس خودپنداره ها (قشر جوان و نوجوان غالباً علاوه بر تمایل به فردگرایی و خود محوری به عنوان یک عارضه تمدنی، از قدرت ریسک بالا در ناهمسویی و نقض قواعد متعارف برخوردار است و آن را برای خود نوعی جسارت ستودنی می شمرد. آستانه تحمل بالای جامعه در چشم پوشی از رفتارهای انحرافی ایشان، این جسارت ورزی را تشدید می کند)؛ میل به اباحی گری و تساهل در تامین انتظارات اخلاقی جامعه (که باز به عنوان یک عارضه تمدنی در کاهش احساس وابستگی به جمع و بی مسئولیتی در قبال جامعه و فرهنگ عمومی ریشه دارد)؛ تلقی نسبی بودن، زمینه ای و متنی بودن الگوهای رفتاری و قراردادهای پوششی؛ غلبه ذهنیت تشابه انگاری (به عنوان یکی از آموزه های محوری فمینیسم. در بخش حجاب و عفاف نیز توقع خانم ها این است که آستانه تحمل جامعه باید برای تک روی و تنوع طلبی و احیانا هنجارشکنی مردان و زنان، یکسان باشد)؛ ضعف تعلق به فرهنگ خودی و عدم اعتقاد به مطلوبیت و اعتبار معیارهای پذیرفته شده (که در واقع بخشی از آن به ضعف جامعه و سازمانهای فرهنگی در اقناع سازی ارزش ها و الگوهای زیستی برمی گردد)؛ ضعف تعهد و احساس مسئولیت اجتماعی (و اهمال در رعایت وظایف شهروندی و انتظارات معطوف به حوزه عفت عمومی و بهداشت فرهنگی)؛ عدم توجه به جنبه های قانونی سطوحی از این الزام و مجرمانه بودن رفتارهای ناهمسو؛ عدم توجه به هزینه هایی که فرد متخلف از این طریق بر جامعه خود و بنیاد های معنوی و روانی آن تحمیل می کند؛ تجربه حضور در مکانهای مختلط و کاهش تدریجی حساسیت های اخلاقی؛ تاثیر پذیری از موج های فرهنگی وارداتی (از طریق ماهواره، اینترنت، فیلم های سینمایی، بازیهای رایانه ای، عکس، موسیقی، کتب، مجلات و سایر محصولات فرهنگی آلوده به ویروس عفت ستیزی و حیا گریزی)؛ الگو پذیری از گروههای مرجع بیگانه؛ تجربه های بحرانهای هویتی تحت تاثیر زندگی در فضای متکثر و چهل تکه؛ تجربه شکافهای میان نسلی (کاهش تدریجی اقتدار والدین و خانواده،

عدم تمایل به الگو گیری آگاهانه از والدین، عقب نشینی والدین و واگذاری وظیفه تربیت اخلاقی فرزندان به سایر نهادها، اشتغال بیرونی والدین و عدم اهتمام به نیازهای تربیتی و عاطفی - روانی فرزندان، شیوع پدیده فرزند سالاری؛ فردی و شخصی انگاشتن پوشش و غیر مجاز شمردن دخالت دولت و جامعه در آن؛ وجود برخی شبهات تلقینی (همچون تلقی حجاب به عنوان مامنی برای دور ساختن زنان از آسیب تعرض مردان، مهار هواهای لجام گسیخته و ترمیم ضعف های نفسانی مردان، پرداخت تاوان ضعف های اخلاقی مردان، نقش حجاب در افزایش کنجکاوی و تحریص بیشتر مردان به نگاههای دزدانه؛ میراث دوران ریاضت کشی زن و دوربودن از ضرورت مشارکت در جامعه، ایجاد مانع در مسیر آزادی و تحرک اجتماعی، عامل افزایش طمع و شدت توجه مردان و افزایش حساسیت های جنسی)؛ برجسته شدن جنبه های نمادین لباس و پوشش به جای جنبه های ابزاری و تن پوشی آن.

برخی عوامل نیز بیشتر جنبه روان شناختی یا روان شناختی اجتماعی دارند که باجمال به برخی از آنها اشاره می شود: فرافکنی برخی عقده ها و گره های روانی و ضعف های شخصیتی (که یکی از نمودهای آن، اهتمام وافر به جلب توجه و نگاه و تحسین دیگران از طریق رفتارها و جلوه نمایهای نامتعارف است)؛ میل به تبرج، تزیین، خودنمایی، خودآرایی و عشوه گری در جمع (بوئژه در دختران جوان) که جلوه نمایی کاذب آن، خود را در پدیده موسوم به مدگرایی نشان می دهد؛ میل به لذت جویی و غلبه کنش های التذادی بر کنش های تدبیری (که جلوه بارز آن میل به کنش ها و واکنش های اروتیک یا شبه اروتیک است)؛ نوسانات یا اختلالات شخصیتی، ضعف احساس عزتمندی و کرامت نفسانی، ضعف اعتماد به نفس عاطفی و رفتاری (یعنی ضعف در مدیریت عواطف و رفتارها) [و به بیان فرویدی: عدم متابعت نهاد (بخش غریزی شخصیت) از خود برتر که تبلور ارزشهای اجتماعی است]؛ ظاهر گرایی و اصالت دادن به صورتک های ظاهری و تن نمایانه و غلبه توجه به جنبه های آرایشی لباس به جای جنبه های پوششی آن؛ احساس گرایی و ضعف خردورزی (اینکه فرد استحسانات شخصی، ذوقی، تخیلی و متغیر خود را مبنای رفتار قرار می دهد و در عین حال، نسبت به تبعات فردی و اجتماعی آن بی توجه و بی مسئولیت است)؛ تمایل برخی دختران به استفاده از جلوه های پوششی و آرایشی برای همسریابی مطلوب؛ الگوی پوشش همچنین ارتباط تنگاتنگی با الگوی ارتباط دارد و معمولاً بدپوشی، جاذبه بیشتری برای جلب توجه و سهولت ارتباط با دیگران دارد.

در بخش عوامل محیطی و ساختاری نیز می توان به مواردی اشاره نمود که اهم آن از این قرارند: ضعف فرهنگ سازی و جامعه پذیری (موانع و مشکلات موجود در فرایند انتقال فرهنگ مذهبی و تبدیل باورها و ارزشهای آن به قواعد رفتاری متناسب با اقتضائات زمان و مکان و نیازهای گروههای مختلف سنی و جنسی و به بیان دیگر، ضعف عملکرد نهادهای فرهنگی مسوول در اقناع سازی و باوراندن ارزش ها و الگوهای فرهنگی - مذهبی)؛ زندگی در شهرهای بزرگ (فشرده گی جمعیت و تراکم اخلاقی، تشدید فردگرایی، آزادی نسبی و کنترل ناپذیری محیط، تنوع و تکثر الگوها و سبک های زیستی، کاهش وجدان جمعی، ضعف جنبه های نظارتی افکار عمومی، ارتباطات گسترده با سایر قلمروهای فرهنگی، جریان یابی مهارناپذیر موج های فرهنگی متداخل، کاهش تعلق به فرهنگ خودی، تجربه حضور در محیط های مختلط و در نتیجه رقیق شدن حریم ها و کاهش حساسیت های اخلاقی و...)؛ ضعف نظارت و کنترل اجتماعی رسمی ( بگذریم از اینکه برخی به بهانه شخصی بودن موضوع حجاب و عفاف، دخالت دولت و نهادهای رسمی را در آن غیر مجاز تلقی می کنند)؛ ضعف نگاه استراتژیک دولت به موضوعات فرهنگی از جمله موضوع حجاب و عفاف (که خود را در ضعف فرهنگ سازی، اقناع سازی فرهنگی، سیاست گذاری و برنامه ریزی، نظارت و کنترل بر محیط، ضعف تلاش در تولید محصولات فرهنگی متناسب، عدم برخورد قاطع با عوامل انحراف و... متبلور می سازد)؛ عملکردهای ناصواب برخی دولتمردان و اتخاذ سیاستهای متشتت و متناقض بویژه در دوران موسوم به اصلاحات؛ توطئه های فرهنگی بسیار گسترده و متنوع دشمنان انقلاب ( تحت عنوان تهاجم، شبیخون، جنگ نرم و ناتوی فرهنگی و موقعیت کانونی حجاب و عفاف در این رویارویی)؛ عملکرد های نامتوازن و بی قاعده سازمانهای مسئول در سنوات اخیر در برخورد با پدیده بی حجابی و بی حجابی و موضوعات مربوط به آن؛ فقدان طراحی و معرفی الگوی پوششی و رفتاری پذیرفته شده متناسب با شرایط موجود و نیاز اقشار مختلف (با توجه به همه متغیرهای دخیل)؛ تعدد و تکثر کارگزاران جامعه پذیرکننده و ناهمخوانی آنها در تفسیر آموزه های فرهنگی، قواعد هنجاری مطلوب و نامطوب، ونحوه واکنش به موارد نقض آنها؛ وقوع برخی تغییرات آرام و خاموش در سبک های زیستی مردم و انعکاس آن در موضوع پوشش و حجاب؛ سیاسی شدن موضوع بدحجابی و بی حجابی و تبدیل آن به ابزاری برای ابراز جهت گیری و تمایل سیاسی در شرایط مختلف و نسبت به موضوعات مختلف؛ عملکرد متشتت و متناقض رسانه های جمعی بویژه رسانه ملی در برخورد با موضوع حجاب و پوشش و ضعف جدی در الگو سازی و الگو دهی؛ تاکید مبرم بر چادر به عنوان تنها الگوی پوششی مقبول و غفلت از الگوهای محتمل جایگزین متناسب با ذائقه های مختلف، گونه های شغلی متفاوت، مکانهای حضور با اقتضائات متفاوت، گروههای سنی مختلف، اقلیم های فرهنگی متعدد؛ ضعف آگاهی و حساسیت غالب مدیران نسبت به توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و حاکمیت ارزشهای دینی و اخلاقی در مجموعه های تحت مسئولیت ایشان؛ بالارفتن سن ازدواج، شیوع بیکاری و انعکاس آن در لجام گسیختگی های رفتاری؛ ضعف نظارت

بر واردات محصولات فرهنگی؛ ضعف فاحش در تولید محصول فرهنگی و هنری مناسب؛ ضعف نظارت بر فرایند تولید و توزیع محصولات فرهنگی ناظر به موضوع حجاب و عفاف؛ ضعف توجه به اتخاذ تدابیر لازم جهت تولید و توزیع اقلام مورد نیاز جامعه در موضوع حجاب (دست رسی آسان و مقرون به صرفه عموم به پارچه و البسه منطبق با الگوهای اسلامی، حمایت از طراحان و تولید کنندگان داخلی)؛ ضعف برخورد با ناشران ابتذال و واردکنندگان البسه غیر متناسب با فرهنگ عفاف و حجاب (نیازی به ذکر نیست که امروزه به دلیل شیوع پدیده صنعت فرهنگ و گره خوردن موضوعات فرهنگی از جمله حجاب به منافع سوداگرانه و اقتصادی، انگیزه های بسیار زیادی برای دامن زدن به مد گرایی، تنوع زایی، مصرف زدگی، تن آرای، لذت جویی و... در گستره جهان پدیده آمده و کشور ما نیز تا حد زیاد از آن متأثر است)؛ مغفول ماندن سنت امر به معروف و نهی از منکر و عدم مشارکت هدایت یافته عموم در مسائل و موضوعات اجتماعی؛ ضعف مشارکت سازمانهای مردم نهاد و هیئات مذهبی در رفع بحرانهای اجتماعی و موضوع حجاب و عفاف؛ ضعف اهتمام حوزه های علمیه و دانشگاهها در تامین نیازها و ضرورت های پژوهشی و مطالعاتی این بخش؛ فقدان علوم اجتماعی بومی رشد یافته، بویژه آن نوع علمی که فراتر از جنبه های توصیفی، تبیینی، تفسیری و توجیهی، بتواند از طریق مطالعات انتقادی و تجویزی جامعه اسلامی را در مسیر اهداف و آرمانهای متعالی اش جلو ببرد.

### ۳) برای اصلاح وضعیت موجود حجاب و عفاف چه اقدام‌هایی باید انجام شود؟

انجام اصلاحات فرهنگی و ایجاد تغییرات اجتماعی، کاری طولانی مدت و نیازمند سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت اجرایی هماهنگ است. حجاب و عفاف از جمله موضوعاتی است که به دلیل کثرت ابعاد و حواشی، پای نهادها و سازمانهای متعددی را به صورت مستقیم و غیر مستقیم بمیان کشیده است. اگر وضع نامطلوب موجود را در کنار عوامل تاریخی و ساختاری و اغراض و انگیزه های فردی، از ضعف عملکرد و ناهماهنگی نهادها و سازمانهای مسئول در سالهای اخیر ناشی بدانیم، قاعدتاً اصلاح این وضعیت نیز تا حد زیاد به همکاری و انسجام کارکردی و رفتاری این سازمانها متناسب با مأموریت محوله، زمینه ها و ظرفیت های محیط و مدیریت کلان جامعه، بستگی خواهد داشت. البته دیدگاههایی نیز وجود دارد که امید دست یابی به وضعیت مطلوب در موضوعاتی همچون حجاب و عفاف را به دلیل وقوع طیفی از تحولات گسترده و عمیق در سطوح فردی و اجتماعی و اوضاع و شرایط حاکم بر جهان معاصر، واهی و ناشی از نوعی خوش بینی کارگزاران می دانند. این سنخ مهندسی ها به دلیل ناهمسویی با اقتضائات کارکردی و ساختاری و روند های نهادی شده، چندان قرین توفیق نخواهد بود. علاوه اینکه «وضع مطلوب» نیز به عنوان غایت سیاست ها و برنامه ریزیهای فرهنگی کشور به دلیل ماهیت کیفی، انعطاف زیاد دارد و به

عبارتی امری نسبی، تشکیکی و ذو مراتب است و دست یابی به هر سطح، درگرو حصول مرحله ماقبل است. از این مناقشات نظری که بگذریم، چنین به نظر می رسد که برای رسیدن به سطح آرمانی مطلوب یا دست کم کاهش فاصله و امکان کنترل برنامه ریزی شده محیط و هدایت روند های عادی در مسیرهای همسو با انتظارات فرهنگی نظام اسلامی، انجام یک سری اقدامات به هم پیوسته اجتناب ناپذیر خواهد بود. در ادامه به برخی از این اقدامات و بایسته ها متناسب با وظایف و رسالت فرهنگی دولت اسلامی اشاره می کنیم: تلقی بی حجابی و بدحجابی به عنوان یک معضل فرهنگی بسیار مخرب و در عین حال علاج پذیر؛ انجام مطالعات و تحقیقات گسترده و روشمند برای شناسایی دقیق وضعیت موجود، روندهای جاری و برآورد وضعیت های محتمل در آینده؛ شناسایی علل و عوامل موثر در ایجاد و تشدید معضل؛ بازبینی و واکاوی سیاست ها و اقدامات انجام شده در سنوات اخیر و نتایج بدست آمده؛ پایان دادن به سیاست های مذبذب و تغییر رویه های مکرر؛ طراحی و تدوین نظامی جامع از سیاست نامه ها و دستورالعمل های اجرایی سلسله مراتبی و دارای چینش طولی نظاموار متناسب با خواسته ها و نیازها، انتظارات و مطالبات، اقتضائات زمانی و مکانی، امکانات و مقدرات و موانع و چالش های موجود؛ تمهید کارشناسانه ملزومات اجرایی این سیاست ها؛ تعیین دقیق وظایف و مأموریت های نهادها و سازمانهای رسمی مسئول، سازمانهای مدنی مردم نهاد، کانونهای مذهبی و عموم مردم؛ ایجاد هماهنگی برنامه ریزی شده متوازن میان این مجموعه ها از طریق واحدهای ستادی؛ تمهید ضمانت اجراهای لازم برای تحقق به موقع هر یک از سیاست های مرحله ای؛ تقویت انگیزه در بدنه مدیریتی و اجرایی کشور؛ نظارت و مراقبت و رصد هوشمندانه اوضاع فرهنگی اجتماعی کشور به صورت مستمر؛ تلاش همه جانبه جهت فرهنگ سازی متناسب از طریق اقدامات متوازن سازمانهای فرهنگی تبلیغی مسوول؛ طراحی و تدوین الگوهای پوششی مطلوب متناسب با سطح نیاز و پرهیز از اصرار و الزام به یک الگو برغم تفاوت و تنوع ضرورت ها و اقتضائات؛ تمهید امکانات جهت دست یابی آسان و ارزان به البسه الگویی و مورد توصیه؛ شناسایی و تا حد امکان منسد یا محدود ساختن مجاری ورود اقلام فرهنگی ناهمخوان و مخرب؛ مخالفت عملی با مطالبات ناهمخوان سازمانهای بین المللی؛ نظارت بیشتر بر محصولات فرهنگی مورد استفاده قشر نوجوان و جوان (مثل فیلم ها و سریالها، بازیها، کتابها، نشریات، عکسها، موسیقی ها و...); نظارت بیشتر بر جنبه های فرهنگی اماکن محل حضور قشر نوجوان و جوان ( سینماها، ورزشگاهها، سالن های ورزشی، مدارس، دانشگاهها، مراکز آموزش آزاد، تالارها، پارکها، قهوه خانه ها، آرایشگاهها و...); برخورد قاطع با عوامل نشر دهنده ابتذال؛ اعمال سیاست های تشویقی در سطوح مختلف برای تقویت موضع ملتزمان به رعایت هنجارها بویژه سازمانهای

فعال در این بخش؛ اصلاح نظام آموزشی با هدف اهتمام به رشد شخصیت، بلوغ همه جانبه، پرورش اخلاقی، تقویت هویت جنسی، رشد اخلاق جنسی و آموزش الگوهای تعامل جنسیتی متعلمان؛ سرمایه گذاری همه جانبه برای رشد تدریجی علوم اجتماعی بومی با رویکرد اسلامی و متناسب با نیاز با هدف تقویت بنیه علمی و پژوهشی نظام مدیریت کشور در سطوح مختلف؛ احیا، ترویج و تقویت سنت امر به معروف و نهی از منکر؛ حمایت برنامه ریزی شده از ناهیان از منکر و تقویت اقتدار آنها؛ برنامه ریزی و تلاش سازمان یافته برای رفع تدریجی مشکلات موجود در مسیر کاریابی، اشتغال، ازدواج و مسکن جوانان؛ و... در هر حال، از دولت اسلامی انتظار می رود که در همه سیاست ها و تدابیر ریز و درشت اتخاذ شده مصالح جمعی و نه لزوما رضایت جمعی را منظور نظر قرار دهد.

۴) هریک از نهادها و سازمان های علمی، آموزشی، پژوهشی، انتظامی و قضایی چه سهمی در اصلاح وضعیت موجود حجاب و عفاف دارند؟

در موضوع حجاب و عفاف تا آنجا که من می دانم نهادها و سازمانهای متعددی به طور مستقیم و غیر مستقیم درگیرند یا نظر به موقعیت و نقش های اجتماعی محول، از آنها انتظار مشارکت می رود. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بویژه معاونت های درگیر در امر تولید و نظارت بر اقلام فرهنگی همچون کتاب، نشریات، فیلم های سینمایی، بازیهای رایانه ای، موسیقی، ویدئوکلپ ها، کافی نت ها، سالن های تئاتر؛ سازمان تبلیغات اسلامی، شورای فرهنگ عمومی، سازمان ملی جوانان، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت بازرگانی، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیروی انتظامی، صدا و سیما، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سازمان فرهنگی هنری شهرداری ها، سازمان تربیت بدنی از جمله سازمانهایی هستند که در این خصوص مسوولیت های نسبتا تعریف شده دارند.

بدیهی است که مشارکت دادن این مجموعه سازمانی عظیم به دلیل اقتضانات، موقعیت ها و ظرفیت های کارکردی بسیار متفاوت، بدون یک برنامه ریزی دقیق و کارشناسی شده و هدایت گری ستادی، نتیجه ای جز آشفتگی اوضاع و اعمال سیاست های متشتت و بعضا خنثی کننده به دنبال نخواهد داشت. دولت موظف است در قالب بسته مدیریتی و تدوین برنامه اجرایی جامع که در پاسخ به سوال قبل بدان اشاره شد، زمینه مشارکت بهینه این سازمانها همراه با نوع و نحوه مشارکت، ضمانت اجرا، تعیین شاخص های



سنجش پذیر برای اندازه گیری میزان و نحوه مشارکت، تدوین سیاست های تشویقی و تنبیهی، فرایند نظارت و کنترل بر عملکردها و... را به صورت مدون تمهید و ابلاغ نماید. همانگونه که در قبل نیز باجمال بیان شد، دولت باید علاوه بر فعال سازی سازمانهای مذکور، زمینه مشارکت هر چه بیشتر خانواده ها، سازمانهای مدنی مردم نهاد و عموم مردم در قالب فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در این امر مهم فراهم نماید.

۵) سهم رسانه ملی را در این زمینه چگونه ارزیابی می کنید و چه وظایف و مسئولیت هایی را برای آن قائلید؟ (سوال از وضعیت مطلوب رسانه)

در نظام جمهوری اسلامی، بخش قابل توجهی از رسالت و مأموریت خطیر فرهنگ سازی به رسانه ملی به عنوان بزرگترین، پررونق ترین و تاثیرگذارترین سازمان و کنشگر فعال فرهنگی اجتماعی، محول شده است. مرکز طرح و برنامه رسانه ملی در بخش سیاست های عمومی برنامه سازی مصوب سال ۱۳۸۵، در بند ۴-۱ به بخشی از وظایف سازمانی خود در خصوص بایسته های حجاب و عفاف توجه داده که بی شک، رعایت آن می تواند بخش قابل توجهی از انتظارات عمومی جامعه مومنان را تامین کند. در ادامه به موادی از آن متناسب با سوال شما اشاره می شود: ۱) طراحی لباس نباید با معیارهای زیباشناختی، محتوای برنامه، شخصیت مورد نظر و ارزش های فرهنگی مغایرت داشته باشد؛ ۲) پوشش مورد استفاده در برنامه ها نباید مروج تجمل گرایی و اشرافی گری باشد؛ ۳) استفاده از لباس های مروج مدهای غیر بومی و الگوهای مغایر با فرهنگ اسلامی و زمینه ساز فرهنگ بیگانگان برای مردان و زنان ممنوع می باشد؛ ۴) پوشش نباید تداعی کننده لباس شهرت (انگشت نما شدن) باشد و نیز نباید حالت تبرج و تحریک کنندگی داشته باشد؛ ۵) پوشش باید آراسته، پاکیزه و متناسب با محتوای برنامه باشد، مگر در مواردی که فضای برنامه خصوصیات دیگری را اقتضاء کند؛ ۶) لباس زنان باید تمامی بدن آنها را به استثنای صورت و دو دست تا مچ، بپوشاند؛ ۷) در پوشش نباید از لباس های منقوش به آرم، تصاویر نامتعارف، نوشته ها و نمادهای فرهنگی بیگانه، علائم فرقه های ضاله، گروههای منحرف، نمادها و علائم بازرگانی بدون دلیل برنامه سازی خاص، استفاده شود؛ ۸) در برنامه ها لازم است شان و منزلت چادر به عنوان حجاب برتر رعایت شود و از چادر در نقش های منفی و حقیر و نازل استفاده نشود؛ مگر هنگامی که نقش منفی آشکارا از چادر سوء استفاده کند یا استفاده ابزاری کرده باشد. در چنین وضعیتی لازم است در کنار شخصیت منفی، شخصیت مثبت با پوشش چادر نیز در آن برنامه وجود داشته باشد؛ ۹) از نشان دادن مادران چادری در کنار دختران

جوان غیر چادری باید تا حد امکان اجتناب شود؛ مگر اینکه اقتضاء داستان و شخصیت پردازی چنین امری را ایجاب کند؛ ۱۰) در برنامه ها، استفاده از لباس های با رنگ ها و مدل های نامتعارف و نامناسب، هر گونه لباس، پیراهن و مانتوی تنگ، چسبیده، که موجب نشان دادن برجستگی های بدن می شود و نیز لباس های کوتاه ممنوع می باشد؛ ۱۱) استفاده از بلوز، پیراهن و لباس های رنگی نامناسب و غیر متین به عنوان پوشش خانم ها در خارج از منزل و در ارتباط با نامحرم ممنوع می باشد؛ ۱۲) برنامه های صدا و سیما باید مروج پوشش کامل برای زنان، شامل چادر یا مانتو همراه با شلوار و مقنعه و جوراب با رنگ های مناسب و متین باشد؛ ۱۳) در پوشش زنان، استفاده از مقنعه به عنوان جزئی از پوشش برتر ترویج شود؛ ۱۴) استفاده از روسری در پوشش خانم ها، باید به نحوی باشد که روی شانه ها و برجستگی های سینه را بپوشاند؛ در بند ۵-۱ نیز تصریح می کند که آرایش سروصورت افراد در برنامه ها باید بیانگر متانت، عفاف و وقار و متناسب با هنجارها و ارزش های دینی باشد. استفاده از خانم های دارای آرایش در برنامه های تلویزیونی ممنوع می باشد و گریم اشخاص نباید با معیارهای زیباشناختی، محتوای برنامه ها، شخصیت مورد نظر و ارزشهای فرهنگی مغایر باشد. نکاتی دیگری نیز در تکمیل پاسخ وجود دارد که در ادامه و در پاسخ به سوالات دیگر اشاره خواهد شد.

۶) عملکرد کنونی رسانه ملی را در زمینه گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و مقابله با بدحجابی، چگونه ارزیابی می کنید؟ (سوال از وضعیت موجود رسانه)

اگر از تحلیل های یکسونگرانه ای که غالباً رسانه ملی یعنی سیما و در رتبه بعد سینما و محصولات نمایشی را منشا اصلی یا یکی از عوامل بسیار موثر در بروز وضعیت موجود ارزیابی می کنند، بگذریم تردیدی نیست که رسانه ملی با توجه به مقبولیت و اعتبار فرهنگی اجتماعی نسبتاً بالا، اعتماد زیاد به جنبه های الگویی آن به عنوان سخنگوی فرهنگی و مروج ارزش ها و آرمانهای نظام اسلامی، مخاطب انبوه، گستره وسیع، تعدد شبکه ها، تنوع برنامه ها؛ تاثیرات بالقوه مثبت و منفی قابل توجهی در همه عرصه های فرهنگی از جمله حجاب و عفاف را می تواند موجب شود. جاذبه های فنی و هنری، تنوع برنامه ها، تکرار در قالب های مختلف، در دسترس بودن، کم هزینه بودن، آسانی نسبی درک محتوا، درگیر ساختن توامان چندین حس از حواس پنج گانه، امکان بهره گیری همزمان با اشتغال به سایر فعالیت های درون خانگی، حضور در محیط خانه و جمع صمیمی خانواده، در کنار بالا بودن جمعیت جوان کشور، زیادی نسبی اوقات فراغت، غلبه فرهنگ شفاهی، ضعف فرهنگ مطالعه، کمبود سایر امکانات تفریحی و فراغتی در

کشور، ترجیح فراغت خانگی بویژه برای بانوان به دلیل مشکلات حضور در اماکن تفریحی و فراغتی بیرونی؛ مجموعاً به مقبولیت و مصرف هر چه بیشتر محصولات رسانه ای و تاثیر پذیری عمیق تر از آن، کمک کرده است. رسانه ملی نیز هر چند همچون سایر سازمانهای فرهنگی در موضوع حجاب و عفاف تاکنون گام های اساسی و تلاشهای درخور توجهی صورت داده اما به دلیل برخی مشکلات و کاستی ها، جامعه اسلامی از نتایج این زحمات، آنگونه که باید، منتفع نشده است. اعمال برخی سیاست های ضعیف و عملکردهای غیر منتظره رسانه ملی، موجب شده تا انبوه خدمات و اقدامات مثبت آن در این خصوص نادیده انگاشته شده یا تحت الشعاع واقع شود. رسانه ملی به دلیل ارتباطات گسترده توده ای، بهره گیری مستقیم و متوالی همه اقشار، حساس بودن موضوعات فرهنگی، انگیزه بالا برای بازخورد دهی و واکنش مستقیم و غیرمستقیم، دقت و هوشیاری مخاطبان، توقعات زیاد عموم از این سازمان و کنش گر فعال فرهنگی اجتماعی در مقایسه با سایر سازمانها، انعکاس سریع ضعف ها و قوتها و... بیش از سایر سازمانهای مسوول در تیررس نگاههای خرده گیرانه، ارزیابی های منتقدانه و رویکردهای آسیب شناسانه قرار دارد. بی شک، این موقعیت استثنایی، برای رسانه هم می تواند فرصت و هم تهدید تلقی شود. تردیدی نیست که بخشی از مشکلات رسانه ملی در موضوع حجاب و عفاف، انعکاس سیاست های ضعیف و ابهاماتی است که در کلان برنامه ریزی فرهنگی کشور و مشخصاً بایسته های معطوف به موضوع حجاب و عفاف وجود دارد. برخی از نکات تکمیلی نیز در پاسخ به سوالات بعدی اشاره خواهد شد.

۷) رسانه ملی برای ایفای درست نقش و وظیفه ای که در این زمینه دارد، چه اقدامهایی در زمینه سیاست گذاری و برنامه ریزی باید انجام دهد؟ چه اقدامهایی در زمینه تولید باید انجام دهد؟ چه

#### اقدامهایی در زمینه نظارت باید انجام دهد؟

به طور کلی و بدون تفکیک اجزای سه گانه سوال، از رسانه ملی انتظار می رود که در قالب یک برنامه ریزی جامع، همه این ابعاد را متناسب با رسالت و مأموریت کارکردی خویش، انتظارات نظام و جامعه اسلامی، اقتضائات زمان و مکان و حساسیت موضوع مورد ملاحظه دقیق و کارشناسانه قرار دهد. در ادامه به برخی از این بایسته ها باجمال اشاره می شود: تربیت کادر فنی و هنری مورد نیاز با هدف تولیدات اقلام رسانه ای متناسب با معیارهای اسلامی، سرمایه گذاری در تولید محصولات با کیفیت متناسب با ذائقه ملی و نیاز مخاطبان، برنامه ریزی همه جانبه در جهت فرهنگ سازی و جامعه پذیری توده ها با محوریت بینش ها و

ارزشهای اسلامی، الگوسازی از تیپ های شخصیتی معیار، حرمت نهادن به خواست و نیاز اکثریت، رعایت دقیق استانداردهای برنامه سازی متناسب با سیاست های تدوینی مندرج در منشورات مرکز طرح و برنامه ریزی رسانه ملی، برقراری ارتباط منسجم و ارگانیک با مراکز علمی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی با هدف تامین نیازهای مطالعاتی و پژوهشی، بالابردن جاذبه های برنامه سازی با هدف انصراف توجه مخاطبان از روی آوری به رسانه های بیگانه و مصرف بی رویه اقلام فرهنگی غیر مجاز؛ پایان دادن به سلیقه محوری و عملکردهای بی مبنای غالب تهیه کنندگان و کارگردانان، برخورد قاطع با مدیران و برنامه سازان متخلف، داشتن وحدت رویه و پرهیز از عملکردهای متناقض، پرهیز از کلیشه سازیهای ملال آور و تاریخ مصرف گذشته، برجسته سازی فلسفه حجاب و اهداف منظور شارع از تشریح و تایید آن و اینکه اساسا الزام به حجاب مجوز حضور اجتماعی زن است نه حبس وی در خانه؛ تبیین مکرر مستندات دینی حجاب و عفاف و تشریح احکام و حدود شرعی واجب و مستحب آن؛ بیان دیدگاههای بزرگان و چهره های شاخص فرهنگی در اهمیت حجاب، تبیین نسبت حجاب و عفاف با کرامت، فطرت، هویت، شرافت و جایگاه ممتاز زن در عالم هستی؛ جریان سازی هدایت شده (ایجاد حساسیت و بسیج توده ها در جهت حمایت فکری و عملی از مطلوبیت حجاب و مطالبه آن و متقابلا ابراز واکنش منفی و مخالفت با همه مظاهر بی حجاب و بدحجاب)؛ تقویت جنبه های زیباشناختی حجاب، معرفی و ترویج الگوها و مدل های پوششی مناسب با ذائقه و انتظارات جامعه ایرانی - اسلامی؛ معرفی بانوان محجبه موفق در عرصه های مختلف فعالیت اجتماعی؛ شخصیت پردازی از بازیگران با حجاب در مجموعه های تلویزیونی متناسب؛ تبیین آثار زیان بار ناشی از بدحجاب و روابط آزاد، تبیین آثار مطلوب فردی و اجتماعی مترتب بر الگوی پوششی مورد توصیه اسلام؛ پرهیز اکید از تحقیر عملی حجاب در قالب هایی همچون اعطای نقش های مثبت و بالا به زنان بدحجاب و متقابلا نقش های پایین و گاه منفی به زنان دارای پوشش ظاهری؛ تبیین علل و ریشه های بی حجابی و بدحجابی، پاسخ دهی به شبهات و انتقادات وارد به حجاب و عفاف، بیان ریشه های تاریخی بی حجابی و نقش استعمار و امپریالیسم فرهنگی در این خصوص، تشریح دلایل مقابله خصمانه فرهنگ لیبرالیستی غرب با آن، بیان آثار و پیامدهای ویرانگر برهنگی در جوامع غربی، تشریح روند استقبال از حجاب با الگوی اسلامی در کشورهای غیراسلامی و حتی در میان بانوان غیرمسلمان؛ تاکید عملی بر چادر به عنوان حجاب برتر و الگوی ترجیحی (هر چند نه منحصر)؛ انعکاس پوشش های محلی مناسب رایج در اقلیم های فرهنگی و عرف های مختلف ایرانی؛ اجتناب و پرهیز از تن محوری و برجسته سازی جاذبیت های فیزیکی بویژه چهره زنان و احیانا استفاده ابزاری از این جاذبیت ها؛ ناهنجار نمایاندن بی حجابی و

بدحجابی، استفاده از جذابیت های عاطفی، عرفانی، اخلاقی و تربیتی زنان به جای جذابیت های جنسی؛ پرهیز از نمایش چهره های دارای آرایش غلیظ به بهانه گریم و پوشش نامناسب، پرهیز از نمایش افراد با پوشش های غیرمتعارف، پرهیز از نمایش زنان با جلوه های پوششی اشرافی و تجملی، تاکید بر پوشش مناسب پسران و دختران مجری در برنامه های کودک؛ پرهیز از نمایش تعاملات رفتاری غیر مجاز، عادی سازی روابط غیر مجاز به بهانه معرفی الگوهای همسریابی مدرن؛ پرهیز از نمایش تنوع افراطی مدهای لباس بازیگران در طی یک برنامه واحد.

از رسانه ملی، همچنین انتظار می رود که در فرایند الگو سازی جدی عمل کند، حجاب و عفاف یا دست کم سطحی از آن را به یک خواست عمومی و توده ای تبدیل کند؛ حجاب و عفاف را نه یک امر شخصی که به مثابه موضوعی مربوط به فضای عمومی تحت نظارت دولت و عرف عام معرفی نماید؛ خانواده ها را در جهت تامین نیازهای عاطفی فرزندان به ویژه دختران ترغیب و تشویق کند؛ نقش حجاب و عفاف در تقویت هویت ملی و فرهنگی جوانان و تاثیر آن بر استقلال فرهنگی و سیاسی کشور را تشریح نماید؛ اقدامات ناسنجیده سازمانهای مختلف رسمی و غیر رسمی را در این خصوص به نقد کشد؛ اقدامات مثبت سایر سازمانها در این خصوص را با هدف ارتقای بینش ها و حساسیت های جمعی انعکاس دهد؛ برنامه های خود را بویژه از جهت پیامدها و کارکردهای پنهان و آثار تربیتی مترتب به طور مکرر و با معیارهای کارشناسی مورد نقد و ارزیابی قرار دهد؛ شبهه وجود سکس پنهان در لایه های مختلف برنامه های نمایشی سیما را از خود دفع نماید؛ جامعه را در مسیر برخورد درست و منطقی با متخلفان و ناقضان حدود حجاب و عفاف هدایت کند.

۸) رسانه ملی، به طور مشخص در زمینه برنامه سازی با هدف نهادینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب و مقابله با بدحجابی چه سیاستی را باید در پیش گیرد و چه برنامه هایی، با چه ساختارهایی، با چه موضوع هایی برای چه گروه هایی باید تولید کند؟

بخشی از پاسخ مربوط به این سوال در ضمن پاسخ به سوال قبل اجمالاً بیان شده است. بخشی نیز به مدیریت کلان رسانه و سیاست های برنامه سازی آن؛ بخشی به جنبه های فنی و اصول برنامه سازی و بخشی نیز به مخاطب شناسی رسانه مربوط است که تماماً از حوزه اطلاع و تخصص من خارج است. علاوه اینکه، موضوعاتی همچون حجاب و عفاف به دلیل عمومیت ابتلاء و ماهیت روزمرگی آن، استعداد بالایی برای انعکاسات متنوع در قالب های برنامه ای مختلف متناسب با انتظارات مخاطبان هدف را دارد. در

پاسخ به این سوال، شاید توجه به ظرفیت های کارکردی رسانه و مشخصا سیمای ملی مفید باشد. توضیح مطلب آنکه برای رسانه های جمعی از جمله تلویزیون، نقش ها و کارکردهای متعددی ذکر شده است، که هر یک از آنها به تناسب، در موضوع حجاب و عفاف نیز می تواند مورد استفاده و بهره برداری مفید و مناسب قرار گیرد. اهم این کارکردها عبارتند از:

۱) آموزش اعم از آموزش کلاسیک و مدرسی (در راستای کمک به سیستم آموزش و پرورش رسمی) که غالبا توسط شبکه های تخصصی صورت می گیرد؛ آموزش عمومی و غیر رسمی که غالبا به صورت غیر مستقیم و با هدف ایجاد، اصلاح و تغییر نگرش ها و رفتارهای عموم مخاطبان صورت می پذیرد. از این کارکرد گاه به «جامعه پذیری» یا «اجتماعی کردن» توده ها تعبیر می شود؛ ۲) اطلاع رسانی: کسب اطلاع از حوادث و وقایع مهم داخلی و خارجی (اخبار و گزارشات خبری و تحلیلی) از طریق فرایند رصد و نظارت و انتقال آن به توده ها با هدف افزایش آگاهی و ایجاد آمادگیهای لازم برای رویارویی نظری و عملی با این مسائل؛ لازم بذکر است که اطلاع رسانی به اخبار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... معمول محدود نمی شود. امروزه طیف وسیعی از اطلاعات متنوع به تناسب نیاز مخاطبان و امکانات رسانه از آشپزی و خیاطی گرفته تا سری ترین و پیچیده ترین آن توسط رسانه ها عرضه می شود؛ ۳) ایجاد تداوم و پیوستگی فرهنگی از طریق جامعه پذیری، انتقال میراث فرهنگی، ایجاد پیوند میان نسل های متوالی، بازتولید و تقویت اصول و مفروضات مشترک، شکل گیری و تعمیق روح و هویت جمعی. از این کارکرد، گاه به «ایجاد انسجام و همبستگی» تعبیر می شود؛ ۴) تفریح و سرگرمی: همه اقداماتی که رسانه به صورت آشکار و پنهان برای پرکردن اوقات فراغت و با هدف ایجاد شادی، فرح، خشنودی، رفع ملالت، رهایی از روزمرگی و... صورت می دهد، جزو این کارکرد شمرده می شوند. این سنخ برنامه ها، علاوه بر کارکرد معمول، نقش قابل توجهی در افزایش اطلاعات، رشد خلاقیت ها، توسعه مهارت ها، شکوفایی استعدادها، تغییر نگرشها، پرورش قوای جسمی و روحی و... دارند. بخش قابل توجهی از نقش رسانه در فرایند جامعه پذیری از همین طریق اعمال می شود. برخی از آسیب شناسان اجتماعی، بر نقش بالقوه موثر اشتغالات تفریحی و سرگرمی در تحلیل توان، انصراف توجه و مهار اراده های ضد اجتماعی برخی گروههای سنی تاکید کرده اند؛ ۵) بسیج و تبلیغ: کارکرد بسیج بیشتر جنبه سیاسی و مذهبی دارد و معمولا جهت تهییج توده ها در مسیر اهداف منظور به کار گرفته می شود. این کارکرد در شرایط خاص، ضرورت و اهمیت کاربردی ویژه می یابد. برای رسانه ها کارکردهای دیگری نیز ذکر شده که در مقایسه از اهمیت کمتری برخوردارند. براین اساس، از رسانه ملی بویژه سیما انتظار می رود که هر یک از ظرفیت های فوق را در جهت زمینه سازی، تبلیغ، ترویج، تعمیق، پیرایه زدایی، دفع شبهات و در یک کلام فرهنگ سازی جامع متناسب در خصوص حجاب و عفاف فعال سازد و همه مساعی خویش را

در جهت افزایش نصاب التزام عملی همگان بویژه بانوان جامعه به رعایت این مهم از طریق فرایند تدریجی جامعه پذیری و اجتماعی شدن، به کار گیرد.

۹) مهم‌ترین موانع تأثیرگذاری برنامه‌های رسانه ملی در زمینه گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و مقابله با بدحجابی چیست؟ چگونه می‌توان بر این موانع غلبه کرد؟

ضعف برنامه ریزی و سیاستگذاری جامع و هدفمند، ضعف تلاش در جهت آگاهی بخشی و اطلاع رسانی، عدم اهتمام به الگوسازی هدفمند و جهت دار، عدم توان در تشریح و ملموس سازی استانداردهای پوششی مطلوب، جدی نگرفتن تبعات و آثار مخرب بی حجابی و بدحجابی در گستره جامعه، خود کم بینی یا کم توجهی به نقش و موقعیت مقتدرانه خود در عرصه فرهنگ سازی و الگو دهی، کم توجهی به نقش و تاثیر الگویی چهره های هنری فعال در برنامه های تلویزیونی و جایگاه برجسته آنها بویژه در میان قشر جوان و نوجوان جامعه، عملکردهای متناقض و متشتت، افراط و تفریط های ناصواب در شخصیت پردازیها، کلیشه سازی صوری عاری از پشتوانه های نظری و مطالعاتی، محدود کردن حجاب به پوشش ظاهری و غفلت از حیا و عفاف و مظاهر متنوع آن به عنوان روح و جوهر حجاب، پخش محصولات خارجی حاوی صحنه های مبتذل، توجه سطحی به کارکردهای آشکار و ضعف توجه یا غفلت از کارکردهای پنهان اخلاقی و تربیتی برنامه ها، ضعف عملی در الزام به رعایت هنجارهای دینی پوشش در برنامه سازیها یا اکتفا به حداقل های فقه، برجسته سازی خواسته یا ناخواسته تیپ های غیر ارزشی، ترویج خواسته یا ناخواسته مدگرایی، کم توجهی به حقوق مخاطب و اینکه هر نوع زمینه سازی برای چشم چرانی و تحریک احساسات مخاطبان نوعی اعانت بر اثم تلقی می شود؛ میدان دادن به سلیقه ورزیها در سطوح پوششی و آرایشی هنر پیشه گان و بازیگران و تقویت انگاره شخصی بودن حجاب و عفاف

در پاسخ به بخش دوم سوال نیز توجه به نکاتی چند، علاوه بر برخی از آنچه در پاسخ به سوالات قبل ذکر شد، مفید خواهد بود: توجه جدی به رسالت و مأموریت فرهنگی رسانه ملی به عنوان یک دانشگاه عمومی تراز جمهوری اسلامی؛ التفات دقیق به نقش و تاثیر مثبت و منفی رسانه ملی در افکار عمومی و فرایند فرهنگ سازی و جامعه پذیری، جدی گرفتن جریان تهاجم فرهنگی و توطئه های پیدا و پنهان دشمن و انعکاس آن در موضوع حجاب و عفاف، جدی گرفتن رسانه های رقیب و گستره و تنوع فعالیت آنها در جذب حداکثری مخاطب ایرانی، شناسایی انتظارات، دغدغه ها و مطالبات مردم مومن و

فرهیختگان جامعه و اهتمام به تامین آن، برنامه ریزی جامع برای تامین انتظارات و ایفای درست نقش های محول، مراقبت و کنترل بفرایند تولید، پخش و خرید محصولات رسانه ای؛ تامین ملزومات پژوهشی، فنی، هنری، و مدیریتی لازم برای خلق محصولات فرهنگی مفید و موثر در ارتقای فرهنگ حجاب و عفاف؛ زمینه سازی برای ارزیابی و نقد مستمر برنامه ها توسط کارشناسان، بازخورد گیری مستمر از افکار عمومی، همکاری با مراکز مختلف علمی با هدف تامین نیازهای مطالعاتی و پژوهشی، بهره گیری از ظرفیت های سایر مراکز بویژه بخش خصوصی در تامین برنامه های مورد نیاز.

۱۰) اگر رسانه ملی بخواهد در یک برنامه ریزی برای اصلاح وضعیت حجاب و عفاف در جامعه اقدام کند، چه اهداف، سیاست ها و راهبردهایی را باید سرلوحه خود قرار دهد و براساس چه برنامه زمان بندی شده باید اقدام به این کار کند؟

این سوال به سیاستگذاری کلان رسانه ملی در خصوص حجاب و عفاف ناظر است و ابعاد مختلفی دارد. و بخشی از آنچه در پاسخ به سوالات قبل بیان شد، می تواند پاسخ آن تلقی شود. شناسایی دقیق وضعیت موجود، بررسی کارشناسانه علل و عوامل بی حجاب و بدحجابی و تشدید روزافزون آن در جامعه، تدوین سیاست های راهبردی به صورت چند مرحله ای متناسب با اهداف و انتظارات و امکانات و مقدرات رسانه، همکاری و هماهنگی با سایر سازمانهای فرهنگی درگیر در موضوع، تمهید مقدمات لازم سخت افزاری و نرم افزاری برای تولید برنامه های متنوع و با کیفیت متناسب با نیاز مخاطبان.